

یادداشت روزنامه‌نگار مستعفی

اندرم‌زایای پخش زنده اینترنتی



● **لیلی فرهادپور**

● ۱- بچه که بودیم تلویزیون بود اگرچه سیاه‌وسفید، آن‌هم در یک گنجه چوبی دردار و قفل‌دار که رویش یک توری سفید می‌انداختند و وقتی برنامه نداشت می‌شد تاچقه که عکسی یا مجسمه‌ای رویش چشم‌نوازی می‌کرد. مجسمه روی تلویزیون ما یک کاکاسیاه بود با گردنبند طلایی که سرش تکان‌تکان می‌خورد، و وقتی پدرمواد نبودند این تکان سرش از دست ما خلاصی نداشت. بچه که بودیم تلفن هم بود آن هم با گوشی سنگین سیاه و بوق سنگین‌ترش که صدای آهسته‌آهسته می‌شد چهره‌به‌چهره با کسی آن‌سوی دوگوشه‌ها تماس تصویری داشت؛ مثلا در سریال «پشتازان قضا» (مجموعه علمی-تخیلی‌تلویزیونی که نخستین فصل آن بین سال‌های ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۹ ساخته شد). از همان موقع پخش زنده برای خودش ابهت خاصی داشت. مسابقات فوتبال همیشه در پخش زنده حرف اول را می‌زد ولی هیجان‌آورترین پخش زنده‌های آن دهه بادم هست؛ یادگذاشتن نیل آرمسترانگ بر سطح ماه بود (جولای ۱۹۶۹/ خرداد ۱۳۴۸). انکار که خودم قدم به ماه گذاشتم. چکمه‌های پدر را می‌پوشیدم و در باغچه حیاط خانه مانند فیلم‌های آهسته راه می‌رفتم که یعنی دچار بی‌وزنی شده‌ام. دو سال بعد از آن آرزوی می‌کردم پخش زنده انسانی که اولین‌بار بر مریخ یا می‌گذارد را هم بینم چون حتما مریخی‌ها می‌آمدند بیپوشا! آن‌هم با آن شاخک‌های روی سرشان عین سریال «مریخی محبوب من» (این مجموعه تلویزیونی، در سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۳ با دوبله فارسی از تلویزیون ملی ایران پخش می‌شد).

۲- ولی پدران ما در بچگی تلویزیون هم نداشتند (چون تلویزیون ایران روز اول عید ۱۳۴۶ راه‌اندازی شد) پس اصلا لذت و درکی از پخش زنده نداشتند اما به‌رحال نهنتها آنها بلکه در تمام تاریخ بشریت اجرای زنده وجود داشت. نمایش‌دادن، تئاتر، کنسرت، آوازخواندن، داستان‌گفتن در جمع، نقالی، تعزیه، کمدی دل‌زته، کاتاکالی، کابوکی و…

۳- قبل از جنگ جهانی اول، این تلویزیون را

وقتی آن اسکاتلندی نابغه یعنی «جان لوگی برد»

ساخت حتما به فکر یا تحلیش رسیده بود که روزی

این تصاویری که هدایت می‌کند توانایی پخش زنده

را خواهد داشت. بعد از اختراع این جعبه جادویی،

همه‌جا به آن یا همین تلویزیون را گفتند یا معنی‌اش

کردند به تصویر از دور (مثلا دوربین). رواقف، واژه

تلویزیون که از زبان فرانسوی به فارسی راه یافته،

خود واژه‌های دوره‌گه است که بخش نخست آن از

واژه یونانی «تلسه» (دور) و بخش دوم آن از واژه

لاتین «وِزیو» (دید) گرفته شده‌است. به ایران که

آمد گاهی به آن گفتند «جام جم» اما زیاد نگرفت

تا انقلاب شد و نامش رسما و عملا شد «سیمای

جمهوری اسلامی». خب این یک مجاز مرسل بود

و وقتی در جایگاه سیمای جمهوری اسلامی قرار

گرفت که دیگر مسئولیتش دوچندان شد.

۴- اما چه سیمیا باشد چه تلویزیون، پخش زنده

جذابیت‌های خودش را دارد. این وسط رسانه جای

خودش را عوض کرد. دیگر لازم نبود برای دیدن

پخش زنده فلان برنامه خودت را به خانه برسانی

و به جعبه جادویی‌ات. اینترنت آمد و انقلاب فناوری

اطلاعات چهره قرن ۲۱ را عوض کرد. به دست همه

آمد ها یک گوشی همراه داد. چه ترجمه باژه‌های

است این گوشی همراه. واقعا همه‌اش همراهان

است. بدون او دیگر زندگی معنی نمی‌دهد.

آهنکی که ازش پخش می‌شود خاطره‌انگیزترین و

محبوب‌ترین آهنگ زندگی‌مان است حتی اگر آنهایی

که با ما کار دارند هیچ ربطی به این آهنگ نداشته

باشند. شبکه‌های مجازی ما را بدون هیچ دردسری

به هممانی همگانی برد، بدون خرج میوه و شیرینی! (نقدش بماند برای گفتاری دیگر)، بعد همین چندی

پیش اینستاگرام این وسط امکان پخش لایو داد.

این دیگر شوخی نبود. دیگر تماس تصویری سفینه

فضاییِ انترپرایز با کاپیتان در پشتازان قضا نبود.

مسئله پخش زنده بود.

۵- دیشب برنامه جشن خانه سینما زنده از

اینترنت پخش شد. بالاخره در سال ۱۳۹۴، در

یک فراخوان عمومی سازمان صداوسیما اعطای

نمایندگی IPTV را اعلام کرد. بلا بعد از دو سال.

کار این شرکت‌ها گرفته است. اول فقط اهداف

آموزشی بود و دانشگاه‌ها و نهادهای دولتی اما

لزان دیگر عرصه فرهنگ هم وارد حوزه‌شان شده

است. به‌تازگی دو برنامه موفق هر هفته به صورت

زنده پخش می‌شود. یک برنامه سینمایی با نام

«سی‌وینج» که شب‌هنا با اجرای فریدون جیرانی

ساعت ۱۱ پخش می‌شود و دیگری یک برنامه

موسیقیایی با نام «آهنگ» که سه‌شنبه‌ها با اجرای

بهزنگ تنکابنی پخش می‌شود. حالا دیگر فقط

مخاطبان هیجان‌زده نیستند. افراد در پخش

هیجان‌زده‌اند چون این یک پخش زنده کاملا تعاملی

است. در این پخش‌های زنده تعداد تماشاگران در

لحظه معلوم است و کامنت در لحظه می‌گیرند.

اگرچه ناظر کیفی صداوسیما در همان اتاق ایستاده و

لیخن می‌زند اما کاری ندارد. یک پخش زنده جان‌دار

در راه است.

هنر

نصب پوسترهای سینمایی روی بیلبوردهای پایتخت

«تهران»؛ صدا، دوربین، حرکت



عکس: سیبیت سازمان زیبا سازان

گفت‌وگو با عیسی علیزاده، مدیرعامل سازمان زیباسازی شهرتهران

معیار، فیلم‌های منتخب هیئت داوران بود

سازمان زیباسازی شهر تهران امسال در اقدامی، پوسترهای خاطره‌انگیز سینمای ایران را در جای‌جای شهر تهران نصب کرده و با این کار، روز ملی سینما را گرمای داشته و این اقدام از طرف اهالی سینما بسیار تحسین‌برانگیز توصیف شده است. سازمان زیباسازی شهر تهران مدت‌هاست که با شعار نگارخانه‌ای به وسعت شهر، بسیاری از آثار هنری و نقاشی‌های مطرح را در مقابل دیدگان مردم در شهر به نمایش گذاشته است. به همین بهانه با عیسی علیزاده، مدیرعامل سازمان زیباسازی شهر تهران، گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

● **نصب پوسترهای تاریخ سینمای ایران به بهانه روز ملی سینما از اقداماتی است که نظرات مثبتی را به همراه داشته. درباره انتخاب پوسترها صحبت کنیم. معیار انتخاب آنها چه بود؟**

سازمان زیباسازی شهر تهران دو، سه‌سالی است که در حوزه هنر و سینما دست به اقداماتی زده و امسال هم هم‌زمان با روز ملی سینما، با مشارکت معاونت سینمایی وزارت ارشاد طرحی را پیش‌بینی کردیم و به مرحله اجرا رساندیم. براین‌اساس پوستر فیلم‌هایی را که در چندین دوره برگزارد جشنواره فیلم فجر فیلم‌های برگزیده هیئت داوران جشنواره بودند انتخاب کردیم و این محدودیت را برای انتخاب‌هایمان قائل بودیم، چراکه از دوره‌ای فیلم برگزیده از نگاه تماشاگران هم به جشنواره اضافه شد، اما معیار ما فیلم منتخب هیئت داوران بود و بر این اساس پوسترها انتخاب شدند.

● **پوستر اصلی فیلم‌ها انتخاب شده است؟**

طبق صحبت‌هایی که با معاونت سینمایی وزارت ارشاد داشتیم، هرآنچه در اختیار سازمان سینمایی و به‌عنوان پوستر فیلم موجود بود، در اختیار ما گذاشته شد؛ پوسترهایی که از سال ۶۳ موجود بودند. اگر قرار بود غیر از این معیار، اتفاق دیگری را برای نصب پوسترها در نظر بگیریم، کار سخت‌تر پیش می‌رفت و ممکن بود انتخاب‌ها هم سخت‌تر شود.

● **برخی از اهالی سینما معتقدند در کنار این پوسترها شاید بهتر بود به فیلم‌های مهم تاریخ سینمای ایران از کارگردان‌های مهم کشورمان؛ هم اشاره می‌شد. در انتخاب‌ها این موضوع را مدنظر داشتید؟**
واقعیت این است که سازمان زیباسازی شهر تهران متولی این موضوع نیست و باید در انتخاب‌ها به یک معیاری می‌رسیدیم و همین‌اساس به سراغ سازمان مربوطه می‌رفتم. هدف ما این بود که در روز ملی سینما فضایی را در شهر به این روز خاص اختصاص بدهیم و خوشبختانه از این طرح نیز استقبال شد و این نخستین اقدام ما در روز ملی سیما برای کارمیداشت این روز خاص بود.

● **آیا طرح‌های دیگری برای پاسداشت سینما در طول سال برنامه‌ریزی شده است؟**

ما درباره جشنواره فیلم فجر نیز در سال‌های گذشته نصب پوستر جشنواره در فضای شهری را داشتیم و اگر از طرف سازمان با ارگان خاصی پیشنهاد خوبی در حوزه سینما داشته باشیم قطعا استقبال می‌کنیم.

نقدها به آن طرح بیشتر از این زاویه بود که

مجموعه به نمایش گذاشته‌شده هیچ‌گونه رویکرد

علمی و پژوهشی ویژه‌ای ندارد. همچنین گفته شد

موندریان در میدان حر و اثری دیگر در جنوبی‌ترین منطقه شهر نصب شده و برای آنها مکان‌یابی مناسبی تعریف نشده است یا اینکه بیشتر عناوین تابلوها به‌دلیل ریزبودن قابل‌خواندن نیستند. یکی از پیشنهادها برای آن طرح این بود که با مشارکت بخش‌های مختلف فرهنگی، مخصوصا گالری‌های خصوصی، این موضوع اولاً در تهران به‌صورت منظم و هرساله جریان داشته باشد و دوما در سایر شهرها نیز اجرا شود و تداوم داشته باشد، اما نصب پوسترهای سینمایی روی بیلبوردهای پایتخت از این نظر که شهرداری برای سومین‌بار به سراغ بیلبوردهای شهری رفته و از خیر سود این‌همه بیلورد گذشته قابل‌احترام و ستودنی است.

آنتونیا شرکا، منتقد سینما، نصب این پوسترها را اتفاق خوبی می‌داند و به «شرق» می‌گوید: «در دوره‌ای شهر تهران به نمایشگاه نقاشی تبدیل شده بود و حالا جای خوشحالی است که به مناسبت روز ملی سینما چنین حرکتی اتفاق افتاده». شرکا معتقد است نمی‌توان انتظار داشت در تمام طول سال به موضوع سینما در فضای شهری تهران پرداخته شود، اما قطعا اتفاقات خلاقانه‌ای نظیر نصب پوسترهای خاطره‌انگیز سینمای ایران در روزهایی که مناسبت‌های خاصی در سینمای ایران است اتفاق خوشایندی است.

پرویز جاهد، دیگر منتقد سینماست که نصب پوسترها و بیلبوردهایی از فیلم‌های سینمایی را حرکت خوب سازمان زیباسازی شهر تهران به مناسبت روز ملی سینما می‌داند. جاهد در یادداشتی که ایلنا منتشر کرده، می‌نویسد: «این پوسترها برای بسیاری از کسانی که این فیلم‌ها را دیده‌اند جنبه‌ای نوستالژیک دارد و یادآور یک خاطره سینمایی و ذرعی‌حال نشانه‌یک فقدان است. پوستر فیلم «خانه دوست کجاست»، حضور درخشان و پرتکاپوی عباس کیارستمی و نیز هم‌زمان غیاب تأثیرانگیز او را به یادمان می‌آورد یا پوستر «کاغذ بی‌خط» ناصر تقوایی، اهمیت فیلم‌ساز ارزشمندی را به ما یادآور می‌شود که سال‌هاست به دلایلی فیلم نساخته یا امکان فیلم‌سازی به او داده نشده است. جاهد در ادامه درباره انتخاب این پوسترها اضافه می‌کند: «من نمی‌دانم که این پوسترها با چه معیارها و براساس چه ضوابطی انتخاب شده‌اند و آیا در گزینش آنها ممیزی و سلیقه سیاسی خاصی اعمال شده یا خیر که امیدوارم این‌گونه نباشد، چراکه روز ملی سینما، روز همه اهالی و دست‌اندرکاران سینمای ایران و روز تک‌تک کسانی است که برای بالندگی، توسعه و ارتقای فنی و هنری سینمای ایران تلاش کرده و زحمت کشیده‌اند و این تلاش‌ها و کوشش‌ها نباید نادیده گرفته شود یا قربانی دسته‌بندی‌های سیاسی یا باندهای‌های حرفه‌ای در رسوم در سینمای ایران شود. روز ملی سینما، روز تمام سینمای ایران است، نه تکه‌ای از آن است. موردیست ماست یا با سلیقه‌های هنری و سیاسی ما جور است.»

زیر آسمان فیروزهای

«شب‌شنبه‌ها» میزبان

«اشکان خطیبی»، می‌شود

● **گروه هنر:** «شب‌شنبه‌ها» در بیست‌ودومین تجربه از دوره چهارم خود میزبان «اشکان خطیبی» می‌شود. اشکان خطیبی که در سال گذشته نیز در قالب برنامه شب‌شنبه‌ها دست به تجربه‌های جدیدی زده بود، کنسرت «قلم را بچرخان» خود را در آخرین هفته از دوره چهارم شب‌شنبه‌ها اجرا می‌کند.

این مجموعه‌برنامه که با رویکرد تجربه‌های متفاوت و گفت‌وگوهایی تازه در باب دیدن و شنیدن اجرا می‌شود، در هفته‌های گذشته میزبان اجراهای مختلفی در سبک‌های گوناگون شده و با خلق تجربه‌های جدید در پرفورمنس موسیقی مورد استقبال مخاطبان قرار گرفته است. اشکان خطیبی نیز شامگاه شنبه ۲۵ شهریور در دو سانس ۲۰ و ۲۲ کنسرت «قلم را بچرخان» (راک دی پی) را در سالن تئاتر متسقل تهران روی صحنه خواهد برد. نیما رمضان، اشکان آبرون، آرش سعیدی، سروش عدل و بردیا امیری، خطیبی را در این اجرا همراهی می‌کنند. همچنین سهیل دانش‌اشراقی نیز نقاشی دیجیتال را بر عهده دارد. شب‌شنبه‌ها در بیست‌ودومین تجربه از دوره چهارم خود، شنبه ۲۵ شهریورماه میزبان پرفورمنس موسیقی «قلم را بچرخان» در سالن تئاتر متسقل تهران می‌شود. در این برنامه‌ها رضا دادویی (طراح و مدیر پروژه)، سیامک قطعی (مسئول امور اجرایی)، امیر خرازی (مسئول هماهنگی و برنامه‌ریز) و مونا حمزه (گرافیکست) حضور دارند.

علاقه‌مندان می‌توانند برای تهیه بلیت این اجرا به وب سایت ایران‌کنسرت به نشانی www.iranconcert.com مراجعه کنند.

برای دومین سال

«مسعود نجفی» مدیر

روابط عمومی فجر ۳۶ شد



● **گروه هنر:** دبیر سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر در اولین حکمشش مدیر روابطعمومی این دوره جشنواره را منصوب کرد. ابراهیم داروغه‌زاده در حکمی مسعود نجفی را به‌عنوان مدیر روابطعمومی سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر منصوب کرد. در این حکم آمده: «با عنایت به تجارب ارزشمند و درایت جناب‌عالی در حوزه رسانه، به‌موجب این حکم به‌عنوان مدیر روابطعمومی سی‌وششمین جشنواره ملی فیلم فجر منصوب می‌شوید. فراهم‌سازی شرایط تعامل نزدیک با اهالی رسانه در راستای هرچه باشکوه‌تر برگزارشدن جشنواره، رعایت مؤثر و بیگیری امور مرتبط با حوزه اطلاع‌رسانی جشنواره و به‌خصوص ایجاد جو مناسب با جشن انقلاب اسلامی، مورد انتظار خواهد بود. توفیق روزافزوتشان را در جهت پیشبرد اهداف عالی سینمای شریف ایران، از درگاه خداوند متعال خواستارم.»

ادامه از صفحه ۱۰

اعتراض‌هایی از جنس نقاشی

آما آنچه به عنوان هنر مدرن او را بسیار جذب کرده، برای خیلی دیگر از زنان نقاش تجربی که برخلاف او نمی‌توانند آثارشان را در بوم خیره‌ایشان نصب کنند، تعریف دیگری دارد. اگرچه از مسیر خود پس نکشیده‌اند. «شهرم می‌گوید اینها را نذار روی دیوار خانه. آدم خجالت می‌کشد بهشان نگاه کنه». نقاشی‌های زیبا عمدتا نه‌تنها از دل هنر مدرن بیرون آمده، بلکه موضوع ثابت زن را دارند؛ زنانی که عمدتا از میان ترکیبی از رنگ‌های تند قرمز، سیاه و رنگ سفید روی بوم جلوه می‌کنند، عمدتا با همان شکل‌شمایی که خود نقاششان دوست دارد به نمایش بگذارند، گاهی ترکیبی از زن و بدنی محوشده در رنگ‌ها هستند و گاه به صورت دست یا صورتی برجسته از میان رنگ‌ها برمی‌آیند و زیبا در این میان همان زن تهبایی است که خانواده‌اش به دیدن آثارش نمی‌آیند و فامیل نزدیکش؛ مثل خواهرها و مادر معتمدند او همان زیبای سابق نیست و تفکراتش فرق کرده و دیگر نمی‌توانند او را بفهمند.

این زنان اگرچه همچنان ناقته‌های زیادی برای نقاشی‌کردن دارند، اما به‌واسطه غیبت از محافل هنری نمی‌توانند به صورت حرفه‌ای به برگزاری نمایشگاه‌هایمیزداند یا اسپانسرهای لازم را برای حضور آثارشان در نمایشگاه‌های بین‌المللی جذب کنند. این عده عمدتا خانه‌دار هستند و با زندگی کارمندی، تأمین مخارج حضور در نمایشگاه‌های خارجی دشوارتر است. بنابراین به همین نمایشگاه‌های خصوصی که خانواده‌ها، دوستان و آشنایانشان می‌آیند و فروش‌های نصفه‌ونیمه آثارشان بسنده کرده‌اند.